



کمدی‌ها سهم‌چندانی از آن ندارند. اما سریال فرار بزرگ ساخته محمدحسین لطیفی چند تیپ و تیپ - شخصیت جذاب و دوست داشتنی در خود دارد که کیفیت نهایی کار را چند پله‌ای بالا برده‌اند. برای نمونه هم می‌توان به زن و شوهری اشاره کرد که سال‌ها به دربار رفت و آمد داشته و مرد با توجه به مشکل قلبی‌اش بین مرگ و زندگی در رفت و آمد است؛ نوکر خانه و از اهالی حکومت وقت نیز دیگر یکی از تیپ‌های جذاب فرار بزرگ است که البته شباهت‌هایی هم با تیپ نوکر خانه زادی از سریال‌های مشهور پیش از انقلاب دارد. همین‌طور باید به مامور کفن و دفن با بازی خوب جواد رضویان اشاره کرد که نقش مهمی در شکل‌گیری بسیاری از شوخی‌های سریال دارد. یکی دیگر از شخصیت‌های دوست‌داشتنی این سریال قندک با بازی شهره لرستانی بود که شیرینی‌های خاص خودش را داشت.

### پروانه و امیر - پروانه



جلیل سامان این مجموعه تلویزیونی جذاب و پرافت و خیز را با تکیه بر دو شخصیت اصلی خود (پروانه و امیر) پیش برده و قهرمان‌هایی دوست‌داشتنی خلق کرده است. یک سو پروانه، دختر یک نظامی پرنفوذ که طی حادثه‌ای با یک چریک سیاسی آشنا شده و به او دل می‌بندد. چالش بزرگ فیلمنامه پروانه هم همین جاست که این علاقه پا گرفته میان این دو از دو طبقه کاملاً متضاد چگونه به باور مخاطبانش بنشیند؟ کاری که سامان با ظرافت و دقت خاصی با موفقیت به انجام می‌رساند و آن را از پاشنه آشیل بالقوه فیلمنامه به نقطه قوت آن تبدیل می‌کند. سامان در پرداخت دیگر شخصیت‌ها به خصوص افراد مجاهدین موفق به خلق تیپ - شخصیت‌هایی برگرفته از واقعیت شده که بیش از هر چیز ماهیت آنها را برای مخاطبان آشکار می‌کند.

### یوسف - رنج پنهان

بیژن میرباقری در این سریال سراغ چند خانواده رفته و قصه هر یک را به گونه‌ای روایت کرده که در یک نقطه به یکدیگر گره می‌خورند. مبارزه سیاسی با رژیم شاه وصل‌کننده این داستانک‌ها به یکدیگر بوده که کیفیت هریک رابطه مستقیم با نوع پرداخت شخصیت‌ها دارد. یوسف شخصیت محوری رنج پنهان جزو شخصیت‌های خوب نوشته شده کار است که قصه را به خوبی پیش برده و مخاطب را با خود همدل و همراه می‌کند.



مکمل او نامزد جوانش است که برخلاف امیرحسین سابقه فعالیت سیاسی داشته و با توجه به شغلش (وکالت) تلاش زیادی برای حل معمای خودکشی دختر خانواده دانشور به خرج می‌دهد. خاکستری‌ترین شخصیت این مجموعه تلویزیونی هم شوهرخواهر بزرگ‌تر امیرحسین است که در شرکتی ساختمانی وابسته به آمریکایی‌ها شغل آب و نان داری داشته و تنها کسی است که می‌داند که خواهر همسرش خودکشی نکرده و به قتل رسیده است. همچنین باید به افسر میانسال ارتش هم اشاره کرد که پس از آن که از قتل خواهر امیرحسین مطمئن شده در کنار او برای گرفتن انتقام خون دختر جوان از مستشاران آمریکایی قرار گرفته و در آخر هم در این راه جان می‌بازد.

### علی - تاصبح



مجید جوانمرد در تاصبح تلاش کرده قصه خود را به شکل کلاسیک روایت کرده و در این مسیر بیشتر تمرکز خود را روی شخصیت‌هایش در دو قطب مثبت و منفی گذاشته است. جوان دانشجوی پزشکی (علی) که خواهر و شوهرخواهرش فعالیت‌های سیاسی دارند، می‌خواهد با مستانه دختر تیمسار بدر ازدواج کند. از طرف دیگر خود مستانه نیز به واسطه دوستی با خانواده علی گرایش به فعالیت‌های سیاسی دارد که در نهایت توسط رئیس اداره ساواک شهر دستگیر و در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب در نقطه‌ای نامعلوم زندانی می‌شود. عباس نعمتی در پرداخت شخصیت‌ها به سمت تیپ - شخصیت رفته و تلاش زیادی برای نزدیک کردن آنها به واقعیت به خرج داده که این تلاش تا حدود زیادی به بار نهشته است. در این بین تنها تیپ‌هایی همچون: آبدین و اسدالله عشقی (پدر علی)، بیش از اندازه اغراق شده از آب درآمده و مخاطب برای باور آنها مشکلات زیادی دارد. پسر دیگر تیمسار بدر نیز به عنوان شخصیت مثبت داستان می‌توانست بهتر از اینها از کار درآمده و از کلیشه‌های رایج فاصله بیشتری بگیرد که این اتفاق در این مجموعه تلویزیونی رخ نداده است.

### مامور کفن و دفن و قندک - فرار بزرگ



عموماً در مجموعه‌های کمدی، شخصیت پردازی شکل و شمایل خاص خود را داشته و اغراق از پایه‌های آن به حساب می‌آید. به همین خاطر اغلب شخصیت‌های ماندگار سریال‌های تلویزیونی متعلق به سریال ملودرام بوده و

تحول او نیز خلق الساعه نبوده و روندی کاملاً تدریجی داشته که بیش از هر چیز نشان‌دهنده لایه‌های درونی او است. در قطب شر کار هم یک مامور ساواک قرار دارد که عطش زیادی برای نابود کردن مخالفان رژیم داشته و در این راه بیش از هر کس به دنبال سرنخی از یوسف می‌گردد. میرباقری برای این شخصیت یک زخم درونی (مرگ فرزند خردسالش) را هم طراحی کرده که به خوبی روی این شخصیت پیچیده و چند لایه نشسته و باورپذیری‌اش را افزایش داده است.

### جعفر - شب می‌گذرد



راما قویدل در این سریال سراغ گروهی از مردم مخالف رژیم شاهنشاهی رفته که هر کدام راه خود را برای مبارزه انتخاب کرده و تا پیروزی انقلاب ادامه می‌دهند. دکتر رفیعی و پسرش امیرحسین پدر و پسری پزشک با عقاید سیاسی ضد رژیم وقت هستند که کمک به خانواده زندانیان سیاسی را در دستور کار خود قرار داده و اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارند. درست برخلاف فرید، جوان صاحب اغذیه‌فروشی شهر کوچک که جذب گروه‌های چریکی شده و پس از سال‌ها می‌فهمد که پدرش رئیس اداره ساواک شهر است. فرید یکی از شخصیت‌های مهم این سریال است که مخاطب را با توجه به بلاهایی که بر سرش آمده به سمت خود کشانده و به دلسوزی با او وامی‌دارد. جعفر دیگر شخصیت کلیدی شب می‌گذرد است که پس از سال‌ها تبعید و زندان بار دیگر به شهر خود بازگشته و آرایشگاه کوچکی به راه انداخته تا در نهایت به قاضی فاسد شهر که حضانت تنها دختر جعفر را هم به عهده گرفته رسیده و او را از بین ببرد.

## معمای شاه و شخصیت‌های واقعی



یکی از سریال‌های فاخر تلویزیون در رابطه با انقلاب ساخته محمدرضا ورزی است که سرشار از شخصیت‌های واقعی در دو قطب مثبت و منفی است. از حضرت امام خمینی (ره)، آیت... بهشتی، آیت... طالقانی و... در قطب مثبت گرفته تا محمدرضا پهلوی، اشرف، فرح دیبا، امیرعباس هویدا و... در قطب منفی که مخاطب از هر یک از آنها به فراخور علاقه‌اش به تاریخ معاصر شناخت دارد. در قسمت‌هایی از این سریال که اختصاص به سه ماهه پایانی حکومت شاه داشته و این شب‌ها به نوعی شاهد بازپخش آن از شبکه یک سیما هستیم، ورزی نگاه کامل‌تری به حوادث این ایام انداخته و تلاش کرده چیزی از قلم نیفتد. وی در پرداخت شخصیت‌ها هم تلاش کرده به واقعیت نزدیک شده و شخصیت‌ها را بر این اساس شکل دهد که در این کار هم موفق نشان داده است.